



پای صحبت
گروهی از معلمان
دینی و دانشجویان
برنامه‌ریزی درسی
دانشگاه تهران

معلم دینی، تربیت یا تدریس؟

سریه محمدی

عکاس: غلامرضا بهرامی

چندی پیش، با ابتکار دکتر نرگس سجادیه، عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، با حضور تعدادی از معلمان دینی شهر تهران و گروهی از دانشجویان رشته برنامه‌ریزی درسی نشستی در دانشگاه تهران برگزار شد. در این نشست، دکتر سجادیه سؤالاتی درباره برنامه درسی تربیت دینی مطرح کرد و معلمان که همگی از مقطع متوسطه دوم بودند، به آن‌ها پاسخ دادند. گزارش این نشست را ملاحظه می‌کنید.

اهداف نشست

والدین و مسئولان، با چه چالش‌هایی روبه‌روست و معلمان باتجربه این چالش‌ها را چگونه تحلیل و حل می‌کنند. او این مسائل را در دو محور و سؤال اصلی مطرح کرد و معلمان به این پرسش‌ها پاسخ دادند.
۱. «شما به‌عنوان معلم دینی با چه چالش‌هایی روبه‌رو

در ابتدای نشست، دکتر نرگس سجادیه درباره هدف این نشست گفت: «قصد داریم نگاهی به وضعیت کنونی آموزش و پرورش داشته باشیم و بفهمیم برنامه درسی تربیت دینی ما شامل کتاب درسی، معلم، ارزشیابی، دانش‌آموزان،

کریمیان: من مسئله‌
اصلی را آن می‌دانم
که اکثر معلمان درک
اولیه‌ای از شرایط
فکری دانش‌آموزان
ندارند و نمی‌دانند
چه باید کرد

داشته باشیم، تعامل معلم در زمینه دینی با توجه به شرایط موجود جامعه است که می‌تواند در نوع نگاه دانش‌آموزان به دین و دین‌داران تأثیرگذار باشد.

کریمیان: تجربه من بیشتر براساس درس‌های دینی در دوره دانش‌آموزی خودم بوده تا تجربه‌هاییم از تدریس. با توجه به این تجربه، ذهنیت من این است که برای هم‌نسلان ما و نسل‌های بعدی دین به معنی سنتی بی‌معنی است. مگر اینکه تصمیم بگیرند متدین باقی بمانند، وارد جامعه نشوند و محدود به جمع‌های خاص باشند. وضعیت در مدرسه هم بدین شکل است که به احکام خیلی فکر نمی‌کنند. سعی من در کلاس بر این است که درباره زندگی صحبت کنم. از دانش‌آموزان می‌پرسم سؤالاتشان درباره زندگی چیست و از پاسخ‌ها چند سرفصل استخراج می‌شود که یکی از آن‌ها درباره عقاید دینی است و بقیه به مسائل بنیادی‌تر مربوط است. این روش را به‌عنوان یک خط‌مشی در تدریس پیگیری می‌کنم.

مهم‌ترین چالش‌های دانش‌آموزان در تربیت دینی

رفیعی: فقط بنا بر مطلب کتاب درسی سؤالاتی برایشان مطرح می‌شود. یعنی موضوعی که برایشان چالشی باشد وجود ندارد. در گذشته این همه شبهه نبود. اگر کسی نماز نمی‌خواند، حداقل آن را بیان نمی‌کرد، اما الان به صراحت می‌گویند؛ گرچه شبهه مال خود دانش‌آموز نیست و پشت این حرف‌ها سؤال ذهنی وجود ندارد.

محمدی: دانش‌آموزان مثل مهره‌های سرگردان هستند. خانواده و نظام آموزشی هر کدام قاعده خود را و هر دبیری هم طرز فکر خودش را دارد. این‌ها را در کنار تأثیرات هم‌سالان و فضاهای مجازی قرار دهید. در چنین فضایی، دانش‌آموز باید فکر کند که چگونه با دین ارتباط برقرار کند. در نتیجه احساس می‌کند در گردابی است که باید راهش را پیدا کند. در چنین شرایطی، من به‌عنوان معلم چگونه دانش‌آموز را قانع کنم که به دین نیاز دارد؟ دانش‌آموز می‌گوید من به دین نیاز ندارم، عقلی



هستید؟ ۲. دانش‌آموزان در چه فضایی سیر می‌کنند و آیا اصلاً سؤالی در ذهن دارند؟»

درس دین و زندگی

رفیعی: به جرئت می‌توانم بگویم تغییرات دانش‌آموزان ظاهری است. آن‌ها از نظر بنیادی تغییر جدی نکرده‌اند. دانش‌آموزان همان دانش‌آموزان سال ۱۳۶۷ اند؛ و تنها شرایط فرق کرده که دانش‌آموز را به این سمت کشانده است. شرایط درونی دانش‌آموز تغییر نکرده است. وقتی مخاطب سخن فطرت پاک دانش‌آموزان است، با همان دانش‌آموز سال ۶۷ روبرو هستیم. تنها جلوه‌های ظاهری دانش‌آموز و انجام مناسک تغییر پیدا کرده که آن هم به دنبال تغییرات بیرونی است. چالش جدی ما آن است که نزدیک به یک ماه می‌گذرد تا دانش‌آموزان ما را به‌عنوان معلم و انسانی مانند خود بپذیرند، چون من نماینده اسلام و حکومت هستم. حتی برخی گروه‌هایی تشکیل می‌دهند که سؤالاتی بپرسند و پیروز شوند. برخی کلاس‌ها کاملاً با موضع برخورد می‌کنند، در حالی که در گذشته چنین نبود. علاوه بر این، وقتی دانش‌آموزان با من صحبت می‌کنند، متوجه می‌شوم آن‌ها از خانه مسئله دارند. بعضی از خانواده‌ها اهل نماز نیستند. اگر بسترها مناسب باشد، بچه‌ها مثل گذشته خواهند بود. یعنی اگر ما مطابق با فطرت و منطق و ارزش‌های اخلاقی و صادقانه با آن‌ها حرف بزنیم و با آن‌ها رابطه عاطفی برقرار کنیم، آن‌ها همان بازتاب را نشان می‌دهند.

رضا رحمتی: ما باید عوامل متعددی را در تربیت لحاظ کنیم. میزان تأثیر این عوامل در طول زمان تغییر کرده است. نکته دیگر این است که از کلاس دینی انتظار تربیت دینی داریم یا تعلیم دینی؟ در حدود ۲۵۰ ساعت درس دین و زندگی متوسطه دوم می‌خواهیم تربیت دینی را محقق کنیم، یا تعلیم دینی را؟ تربیت دینی به عوامل دیگری هم نیاز دارد. مثلاً در دهه ۶۰ زیرساخت‌هایی مانند همراهی مدیر و معاون وجود داشت. من بین دانش‌آموزان دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تفاوتی نمی‌بینم، گرچه چالش‌های جدیدی نسبت به مسائل داشتند. مثلاً در دهه ۶۰، برخلاف دهه ۸۰، چالش موسیقی نداشتیم. نکته مهمی که باید به آن توجه

رفیعی: مشکل آن
است که نظام
آموزشی ما فقط
کتاب را تغییر
می‌دهد و معلم
تربیت نمی‌کند

درک اولیه‌ای از شرایط فکری دانش‌آموزان
ندارند و نمی‌دانند چه باید کرد.

دارم که می‌گویند چه کاری خوب است و چه
کاری بد.

ارزیابی برنامه درسی

کریمیان: کتاب درسی دهم
سبک ولی کتاب یازدهم
بسیار سنگین است. آن قدر
طبقه‌بندی و توضیح دارد
که دانش‌آموزان سردرگم
می‌شوند. درست است
که کتاب‌ها نسبت به
قبل و از لحاظ نظری
بهبتر هستند، اما شاید
این ایراد به آن‌ها وارد
باشد که داستان کم دارند.
در حالی که طبق تجربه،
تأثیرگذاری مطالب با داستان
بیشتر است.



رفیعی: از ارائه برخی مطالب مانند
مبحث عدل در همه کتاب‌ها پرهیز شده است. در
حالی که این موضوع هم یکی از مباحث مهم دینی و هم از
چالش‌های دانش‌آموزان است. مؤلفان معتقدند این بحث
چالش‌انگیز است. مبحث انسان‌شناسی هم در پایه دوازدهم
مطرح شده است که خیلی دیر است. چون دانش‌آموز در
آن پایه فقط به کنکور فکر می‌کند، آن هم در حالی که در
بسیاری از مدرسه‌ها این درس مانند آمادگی دفاعی و تاریخ
و روان‌شناسی دکور هستند و برگزار نمی‌شوند. من معتقدم
محتوای آموزشی باید معلم‌محور باشد؛ معلم تربیت‌شده
توانمند.

من نظام مدرسه را سازنده نمی‌دانم. هیچ‌گونه همراهی و
همگامی در آن نیست و حتی سنگ‌اندازی هم می‌شود. من
بزرگ‌ترین نقد را به همکارانم می‌دانم نه به کتاب درسی.
بزرگ‌ترین چالش در آموزش و پرورش را نبود «معلم»
می‌دانم. توانمندی لازم برای آنکه معلم الگوی دانش‌آموز
قرار بگیرد، وجود ندارد. همه به کارمند دولت و حقوق‌بگیر
تبدیل شده‌ایم. من هر روز به خود تذکر می‌دهم که قرار
است مبلغ دین رسول‌الله باشم، پس باید همه دانش‌آموزان
را علی‌السویه ببینم و ظاهر آن‌ها در قضاوت تأثیری نگذارد.
در کلاس هم محیطی ایجاد کنم که نقد کنند و چالش
ایجاد کنند و حتی حرف‌های مرا نپذیرند. اما مشکل آن
است که نظام آموزشی ما فقط کتاب را تغییر می‌دهد و
معلم تربیت نمی‌کند.

رضا رحمتی: فکر می‌کنم
مسئله‌های امروز بچه‌ها
بیشتر با مناسک است.
صورت‌جلسه‌های دهه
۶۰ مدرسه‌ها را که
می‌خواندم، می‌دیدم
چالش نماز آن زمان هم
وجود داشت. نکته‌ای که
از اواخر دهه ۸۰ تاکنون
مطرح است، آن است که
دانش‌آموزان اعمالی را که
در جامعه می‌بینند، به دین
تعمیم می‌دهند. یعنی عملکرد
ما، کلام و گفتار مسئولان ما در
دانش‌آموز دین‌زدگی و دوری از دین
ایجاد می‌کند. در نتیجه، دانش‌آموزان دچار
مشکل می‌شوند. ما نتوانستیم دین را از دین‌داران
به خوبی تفکیک کنیم. از این‌رو، دانش‌آموزان در این زمینه
مسئله دارند. علاوه بر این، آگاهی‌هایشان نسبت به قبل بالا
رفته و آن حس تکلیف و تبعیت کاهش یافته است.

کریمیان: چالش اجتماعی ما با جوانان و نوجوانان این
است که به راحتی دین را کنار می‌گذارند و اتفاقاً بخش
شریعت‌محور دین و مناسک دینی کنار گذاشته می‌شود.
دانش‌آموزان ضمن اینکه استدلالی فکر می‌کنند و می‌گویند
باید اعتقاداتمان بنیاد داشته باشد، باید اثر صورت بر محتوا را
هم بفهمند. اگر معلم دینی بخواهد عمیق کار کند، باید این
نکته را درک کرده باشد که اصل محتواسست و بعد به سراغ
مناسک و فرم دینی برود. اما هنوز این تفکر تولید نشده است.

ویژگی‌های معلم دینی

رفیعی: مهم‌ترین ویژگی آن است که عامل باشد؛ عامل نه
در حد کتاب. اگر معلم عامل باشد، تأثیر کلامش بیشتر است.
گرچه در امر به معروف و نهی از منکر شرط صحت عامل بودن
نیست، اما شرط تأثیرگذاری هست. مرحله بعدی صداقت
است. هیچ چیز به اندازه صداقت تأثیر کلام معلم را بالا
نمی‌برد. سوم اینکه ارتباط موقفی با دانش‌آموز داشته باشد.

کریمیان: من مسئله اصلی را آن می‌دانم که اکثر معلمان